

بررسی جاسوسی از منظر فقه امامیه

یحیی میرعلی^۱، زینب السادات قره سید رومیانی^۲

^۱ دکترای فقه و حقوق جزا و جرم شناسی

^۲ دانشجوی ارشد فقه و حقوق خصوصی

نام نویسنده مسئول:

یحیی میرعلی

چکیده

جاسوسی مفهومی در فقه و حقوق موضوعه است که به فعالیت کسی که به گردآوری اطلاعات به نفع دشمن بپردازد اطلاق می شود. البته جاسوس اختصاص به این مورد ندارد و در مواردی همچون اسرار خصوصی افراد و جاسوسی حکومت از عمال خود کاربرد دارد. برای مفهوم جاسوس تعابیری همچون عین، سماع به کار گرفته می شود. در اخبار منقوله از سیره پیامبر موارد متعددی دیده می شود که حاکی از این است که مسلمانان بر علیه کفار جاسوسی می کردند. البته اصل اولی در جاسوسی بر حرمت است به دلیل آیات قرآن، روایات، اجماع، سیره عقلاء و دلیل عقلی، ولی از این اصل اولی مواردی خارج شده است مثل جاسوسی از دشمن، جاسوسی حکومت از عمال خود در این تحقیق ادله مشروعیت مصادیق جاسوسی را در ابتدا می آوریم و در ادامه ملاکهای مشروعیت جاسوسی را می آوریم، ملاکهایی همچون، حفظ نظام، تقدیم اهم، حکومت قاعده لا ضرر بر حرمت جاسوسی و...

واژگان کلیدی: جاسوسی، عین، سماع، حفظ نظام، تقدیم اهم.

مقدمه

در طول تاریخ تجسس و جاسوسی به واسطه پادشاهان ستمگر و انبیای الهی انجام می شده است. با توجه به اینکه دین اسلام در پی تأمین امنیت در تمام زمینه های زندگی مردم است، و از طرفی جاسوسی در امور مردم باعث هتک حرمت و حیثیت دیگران می شود در حالی که آبروی مسلمان نزد خدا بسیار عزیزتر است باید بررسی کرد که اصل اولی در جاسوسی بر حرمت است یا حلیت؟ (چنان چه اسلام در برخی موارد امر تفتیش را حرام و در برخی موارد تجویز کرده است). جرم جاسوسی از جمله جرایمی است که در طبقه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی قرار می گیرد، زیرا امنیت و تمامیت اراضی کشور را به خطر می اندازد و موجب فاش شدن اسرار و اطلاعات کشوری می شود. با توجه به اینکه پس از مدتهای زیادی حکومتی شیعی تشکیل شده است. تشخیص ضوابط، قلمرو حرمت جاسوسی و مصادیق جواز آن ضروری به نظر می رسد؛ زیرا عدم تشخیص موارد باعث ظلم به افراد حکومت می شود. فقهای امامیه در مورد جاسوسی، حیطه حرمت آن بحث نکرده اند در حالی که بحث از این مسائل با توجه به اینکه جزء مسائل مستحدثه است ضروری است. در این تحقیق پس از تعریف جاسوسی، قاعده اولیه در جاسوسی را با توجه به ادله ی آن مورد کنکاش قرار می دهیم، در ادامه مصادیق مشروع جاسوسی را می آوریم و در نهایت قوانین عامی که باعث می شود برخی موارد جاسوسی از اصل اولی حرمت خارج شود را تبیین می کنیم.

جاسوسی

معنای لغوی جاسوس و الفاظ مشابه

ابن فارس در مقاییس اللغة در معنای «جس» آورده است: «جس» شناخت چیزی با دریافت نامحسوس و ظریف است. جاسوس - بر وزن فاعول - نیز از همین ریشه است؛ زیرا او هر خبری را که بخواهد به آرامی و بی سر و صدا به چنگ می آورد. (ابن فارس، احمد بن ذکریا (۱۴۰۴ق)، معجم مقاییس اللغة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ج ۱، ص ۴۱۴). ابن منظور در لسان العرب می نویسد: «لحیانی می گوید: از فلائی تجسس نمودم، یعنی بحث، جست و جو و کند و کاش نمودم. تجسس به معنای تفتیش کردن از باطن کارهاست و غالباً در امور شر استعمال می شود». (ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر، ج ۲، ص ۲۸۳). به نظر می رسد در معنای «جاسوسی» انگیزه ی شر در میان باشد.

یکی از الفاظی که در معنای جاسوسی استعمال شده است واژه عین است. در کتب فقهی واژه عین و جاسوس به یک معنا استعمال شده است. در کتاب «فتح الباری فی شرح صحیح البخاری» آمده است: (همانا جاسوس عین و چشم نامیده شده است، زیرا عمل جاسوس با چشمش انجام می گیرد یا به دلیل اهمیت نگاه کردن و رویت است مثل اینکه تمام بدن جاسوس، چشم می شود) (عسقلانی، ابوالفضل شهاب الدین احمد (بی تا)، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۶، ص ۱۲۶).

یکی دیگر از الفاظی که در معنای جاسوس استعمال می شود، سَمَاع است. سَمَاعون: جمع سَمَاع، صیغه مبالغه استاز سمع، یعنی بسیار گوش گیر و گوش فرادهنده، جاسوسان و خبر جویان (قریب، محمد (۱۳۶۶)، تبیین الغات لتبیین الایات یا فرهنگ لغت قرآن، تهران: انتشارات بنیاد، ج ۵، ص ۵۶۳).

معنای اصطلاحی

در لسان فقها تعریف خاصی برای تجسس و جاسوسی وجود ندارد که عدم تعریف ممکن است به خاطر بدهد آن باشد. برخی از فقها می فرمایند: «در مورد مساله تجسس در شریعت اسلامی تعریفی و معنای شرعی یا متشرعی خاص وجود ندارد. (مشکینی، میرزا علی اکبر (۱۳۸۶)، مصطلحات الفقه، قم: الهادی، ص ۱۲۸) خداوند در قرآن مسلمانان را از تجسس نهی کرده اند، اما فقها بحث مستقلی پیرامون تجسس و جاسوسی را مطرح نکرده اند، شاید دلیل عدم طرح آن روشن این لفظ به عرف بودن مفهوم تجسس یا به خاطر اینکه این لفظ به عرف احاله داده می شود.

تعرف قانونی

قانونگذار مفهوم جاسوسی را تبیین نکرده است، اگر چه برخی از حقوقدانان جاسوسی را عبارت از گردآوری اطلاعات و اسناد مخفیانه و طبقه بندی شده، راجع به امور نظامی و عملیات آفندی و پدافندی یا کسب اطلاعات از اوضاع و احوال سیاسی یا اقتصادی مملکت به قصد دادن آنها به دولت خارجی در مقابل پول یا هر نوع پاداش و اجرت است. (ولیدی، ۱۳۵۷ محمد صالح (۱۳۵۷)، حقوق جزای اختصاصی، تهران: انتشارات امیر کبیر ج ۳، ص ۵۵۳).

برخی دیگر از حقوقدانان معتقدند: «جاسوس به شخصی گفته می شود که در تحت عناوین غیر واقعی و مخفیانه به نفع خصم در صدد تحصیل اطلاعات یا اشیائی باشد» (گلدوزیان، ایرج (۱۳۸۴)، حقوق جزای اختصاصی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ج ۱، ص ۳۴۶).
با این بیان مشخص شد که کلمه جاسوس و تجسس در فقه، اعم از معنایی است که در حقوق به کار می رود، زیرا در حقوق به معنای خیانت به کشور به کار می رود. حال باید دید اصل اولی در جاسوسی چیست؟ آیا حرمت است یا حلیت، بر فرض حرمت مستثنیات تخصیصاً خارجند یا تخصّصاً.

اصل اولی در جاسوسی

در این قسمت دنبال پاسخ به این مسأله هستیم که ادله ای که دال بر حرمت تجسس هستند از ابتدا موارد مستثنا را در بر نمی گیرد یا ادله اطلاق دارد و خروج برخی موارد از باب تخصیص است. ثمره این بحث در این جا ظاهر می شود اگر قائل شدیم ادله حرمت تجسس مطلق است و همه موارد را شامل می شود، در موردی که بین عنوان تجسس با عناوین مختلف تنافی صورت گیرد باید طبق قواعد باب تراحم عمل کرد و اهم را مقدم نمود، اما اگر موضوع تجسس حرام را مقید به اغراض فاسد بدانیم در مواردی که اغراض صحیح باشد تخصّصاً از موضوع تجسس و جاسوسی حرام خارج خواهد بود.

الف) مقتضای ادله عقلی

جاسوسی از حریم دیگران، به حکم عقل از مصادیق ظلم است، بر این اساس عقل حکم به حرمت جاسوسی می کند. البته قدر متیقن از حکم عقل صدق عنوان ظلم در مواردی از تجسس است که غرض سوء باشد و در جایی که غرض خیر باشد شمول حرمت مشکوک است و فقها فرموده اند در دلیل عقلی باید به قدر متیقن اکتفا کرد و قدر متیقن از حرمت جاسوسی جایی است که غرض سوء در میان باشد و تجسس با اهداف خیر از مدلول دلیل عقل خارج است. البته دلیل عقلی دیگری داریم که جاسوسی را به صورت مطلق حرام می داند و آن اصل عدم ولایت

احدی بر دیگران است. به این معنی که انسانها طبیعتاً توسط خداوند آزاد آفریده شده اند. و به حسب خلقت و فطرت مسلط بر نفس خود می باشند. و تصرف در شوون و اموال آنها ظلم و تعدی به حریم آنهاست و لذا جایز نمی باشد (منتظری نجف آبادی، حسینعلی، (۱۴۰۹ق)، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه، ج ۴، ص ۲۷). طبق این دلیل عقلی وجود سلطه حتی با غرض خیر نیازمند دلیل است. بنابراین تجسس حتی با قصد خیر هم جایز نیست.

دلیل عقلی سومی که مطرح می کنند این است که، حرمت و عدم جاسوسی از حریم دیگران مقدمه ای برای حفظ نظام است، عقل حکم به وجوب این مقدمه می کند. ذکر این نکته لازم است که این حرف در صورتی درست است که مبنای ما این باشد که مقدمه واجب، عقلاً واجب است، و بر اساس تلازم وجوب شرعی را هم استفاده می کنیم.

دلیل عقلی دیگری که مطرح می کنند این است که اخلال به نظام حرام است، جواز جاسوسی مقدمه ی از بین رفتن نظم می شود و مقدمه حرام عقلاً حرام است و بر اساس مبنای مشهور شرعاً نیز حرام خواهد بود.
با این توضیحات روشن شد که اصل اولی در جاسوسی حرمت به نحو مطلق است.

ب) آیات

خداوند در سوره نور می فرماید: «ای کسانی که ایمان آورده اید در خانه هایی غیر از خانه خود وارد نشوید، تا اجازه بگیرید و بر اهل آن خانه سلام کنید، این برای شما بهتر است شاید که متذکر شوید» و اگر کسی را در آنجا نیافتید، داخل آن نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفته شد، باز گردید، باز گردید که برای شما بهتر است و خداوند به آنچه انجام می دهید آگاه است». (نور/۲۸-۲۷).

این دو آیه تصریح به حرمت و ممنوعیت تجسس از حریم افراد ندارد، اما در آنها از برخی از لوازم جاسوسی مثل دخول به خانه ی دیگران بدون استیذان صاحبان آن نهی شده است و نهی ظهور در حرمت دارد، پس با توجه به حرمت دخول در منازل دیگران بدون اذن آنها به طریق اولی می توان حکم به حرمت تجسس از منازل، عیوب و اعمال دیگران کرد. البته در این آیه نهی از ورود به منازل دیگران مغیی به غرض خیر و یا شر نمی باشد، و نهی مطلق است، بنابراین جاسوسی و تجسس مطلقاً جایز نیست. البته آیات دیگری نیز وجود دارد که به جهت اختصار فقط به آنها اشاره می کنیم: آیه ۱۸۹ سوره بقره، آیه ۱۹ سوره نور آیه ۱۲ سوره حجرات، آیه ۹۴ سوره نساء. خلاصه اینکه آنچه از آیات استفاده می شود حرمت جاسوسی به طور مطلق است و خروج هر مصداقی نیازمند دلیل خاص است.

ج) روایات

برخی از روایات را که دال بر حرمت تجسس و جاسوسی است را می آوریم:

- ۱- «پیامبر اسلام از اینکه کسی به دنبال حصول اطلاع از خانه ی همسایه خود باشد، نهی فرمود. و فرمود هر کس عمداً به زشتی ها و عورت برادر مسلمان خود یا غیر از اهل و عیال خود بنگرد، خداوند او را در جرگه ی منافقین که دائماً دنبال زشتی های مردم هستند داخل می کند. و او را از دنیا خارج نمی کند، تا اینکه او را خوار و رسوا گرداند، مگر اینکه توبه نماید و از ایشان طلب استغفار نماید». (ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ج ۴، ص ۱۳) در این حدیث پیامبر تطلع از منازل غیر را نهی فرموده اند و نهی ظهور در حرمت دارد.
- ۲- حضرت علی فرمودند: «چیزهایی را که از شما پنهان است زیاد تفتیش نکنید تا عیب جویی نسبت به شما زیاد نگردد...» (محدث نوری، میرزا حسین ۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: موسسه آل البيت علیهم السلام، ج ۱، ص ۱۸۸) در این حدیث حضرت نهی فرمودند از آنچه که از دیدگان انسان پنهان است. و نهی ظهور در حرمت دارد.
- ۳- امام صادق فرمودند: «جهالت در سه چیز است: الف) برادر خود را دائماً عوض کند ب) بدون بیان علت، با کسی قطع رابطه و دوستی نماید ج) تجسس از چیزی که مورد احتیاج و غرض عقلایی او نیست» (مجلسی، محمد باقر (بی تا)، بحار الانوار، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ج ۷۸، ص ۲۳۰).
- ۴- حضرت علی می فرمایند: «امر(اعمال، اقوال و...) برادر مومن خود را بر بهترین وجه حمل کن تا اینکه اتفاقی بیافتد و تو را از آن اخذ منصرف نماید، و در حالی که برای کلام برادر مومنت محمل نیکو وجود دارد، نسبت به کلامی که از دهان او خارج می گردد سوء ظن نداشته باش» (کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه، ج ۲، ص ۳۶۲). از مجموع روایات حرمت تجسس به طور مطلق قابل استفاده است چه مغبی به اغراض سوء و چه مغبی به اغراض خیر باشد.

د) سیره ی متشرعه

در مورد مساله حرمت تجسس اتفاق عملی اصحاب پیامبر (ص) و ائمه (ع) وجود دارد و تحریم تجسس در اندیشه ی اصحاب رسول اکرم امری مسلم بوده و شکی در آن وجود نداشته است. به عنوان مثال: عبد الحمان بن عوف می گوید: «شبی در مدینه با عمر بن خطاب برای حفاظت از شهر گردش می کردیم به خانه ای رسیدیم که چراغش روشن و درش بسته بود ولی صدای بلندی از خانه به گوش می رسید. عمر گفت این خانه ی ربیعہ بن امیه است و اینها شراب خورده اند و الان هم می خورند، گفتیم: ما خلاف کردیم خداوند فرموده «لا تجسسوا» و ما تجسس کردیم عمر برگشت و آنه را به حال خود وا گذاشت» (سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۴ق)، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت: دار المعرفه، ج ۶، ص ۹۲).

البته این سیره را نمی توان به عنوان دلیل مستقل به حساب آورد، زیرا سیره در صورتی حجت است که مستند به آیات و روایات نباشد.

ه) بنای عقلاء

بنای عقلای عالم بر این است که در حیطه شخصی دیگران دخالت نمی کنند، و به ظاهر حال انها اکتفا می کنند، زیرا جاسوسی از حریم دیگران آثار زیانباری را به همراه دارد، و این سیره از طرف شارع امضا شده است و این سیره مطلق است (مغبی به غایت خاصی نیست).

و) اجماع فقهاء، مسلمین و بدهات دین

فقهای امامیه بر حرمت تجسس اجماع دارند، البته این اجماع مدرکی است و فاقد اعتبار است. برخی مانند صاحب جواهر قائل به اجماع مسلمین بر حرمت تجسس شده اند و مساله حرمت تجسس را از بدیهیات دین می دانند. (صاحب الجواهر، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ج ۱۳، ص ۲۹۸).

البته با توجه به اینکه اجماع دلیل لَبّی است و در فرض شک باید به قدر متیقن آن تمسک نمود، یعنی حرمت تجسس مغبی به مقاصد شر است.

با توجه به مطالبی که بیان شد به این نتیجه می رسیم که اصل اولی در جاسوسی بر حرمت است، ولی در برخی موارد همین جاسوسی مشروع دانسته شده است. در ابتدا برخی از این موارد را اشاره می کنیم و در ادامه دلیل استثنا را بیان می کنیم.

مصادیق جاسوسی مشروع

بیان شد که اصل اولی در جاسوسی بر حرمت است، اما در فعالیتهای اطلاعاتی همین جاسوسی به خاطر دلایلی مشروع دانسته می شود. در این قسمت برخی از موارد مشروع را بیان می کنیم.

۱- جاسوسی حکومت اسلامی از افراد جامعه اسلامی

یکی از حکمت های شریعت اسلام، برپایی قسط و عدل است، بر این اساس حاکم اسلامی باید در مسیر ایجاد حکومت عادلانه از احوال رعیت و افراد تحت ولایت خود آگاه باشد. حتی اگر خود قاصر از سرکشی از احوال آنها است، وسائلی را برای این هدف قرار دهد. به عبارت دیگر حفظ نظام واجب است، و عدم رسیدگی به آحاد جامعه اسلامی باعث اختلال در نظام اسلامی می گردد و در این موقع حاکم باید به تجسس از احوال افراد تحت سلطه خود بپردازد، تا اختلال نظام به وجود

۲- جاسوسی جهت انتخاب کارگزاران حکومت اسلامی حاکم اسلامی باید افراد خیرخواه و خدمتگذار برای مناصب حکومتی انتخاب نیاید. کند. این مساله از مدرکات عقل است و بنای عقلا بر این است که کسی که در حکومت می خواهد مورد استخدام واقع شود باید علاوه بر شرایط عامه، شرایط دیگری همچون عدالت و امانت را داشته باشد و احراز این صفات از لوازم تجسس است. در دستورات معصومین این امر دیده می شود. به عنوان مثال حضرت علی (ع) به مالک اشتر در انتخاب کارمندان فرمودند: «ثُمَّ انْظُرْ فِي أُمُورِ عُمَّالِكَ فَاسْتَغْمِلْهُمْ [اخْتِياراً] اخْتِياراً وَ لَا تُؤَلِّمْهُمْ مُحَابَاهَةً وَ أَثَرَةً فَإِنَّهُمَا جَمَاعَةٌ مِنْ شُعْبِ الْجَوْرِ وَ الْخِيَانَةِ ...» (در وضع کارمندانی که استخدام می کنی دقت کن، حتما استخدام تو روی انتخاب و گزینش صحیح باشد، نه از روی رفاقت و دوستی، زیرا رفیق بازی و ظلم مجموعه ای از انواع ظلم (به مردم) و خیانت به خداست) (شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، فیض الاسلام، قم: هجرت، چاپ اول، ص ۴۳۵). فعل استعمال امر است و ظهور در وجوب دقت و امتحان دارد و امر به امتحان جز از راه تجسس و جاسوسی ممکن نیست.

همچنین در مورد انتخاب قضات و منشیان صفاتی را بیان نموده اند که احراز این صفات بدون تجسس ممکن نیست.

۳- جاسوسی از عمال در مناصب حکومتی

کسی که به عنوان کارگذار دولت اسلامی گماشته می شود باید اعمال او از طریق جاسوسان حاکم مورد رصد قرار بگیرد، تا کاری که مورد اختلال در نظام است را انجام ندهند. دلیل این حکم عقل و نقل است

دلیل نقلی، سیره امام علی (ع) است که در موارد مختلف کارگزاران خود را توبیخ و اعمال آنها را تقبیح می کردند، این اهتمام نشام دهنده ی اهمیت نظارت بر کارگزاران است و همچنین دلالت می کند که حضرت اخبار را از طریق این عیون دریافت می کردند تا مبدا به کسی ظلم شود. عقل هم حکم به لزوم حفظ نظام می کند و اختلال در نظام را مورد تقبیح قرار داده، به تبع حکم عقل، عقلای عالم هر کجا احتمال بر هم خوردن نظام را بدهند، جاسوسانی را قرار می دهند که یکی از این موارد آگاهی از اعمال کارگزاران است.

جاسوسی از دشمن

از آن جایی که حکومت اسلامی دشمنان بسیاری دارد بر حاکم واجب است تا تحرکات دشمن را زیر نظر داشته باشد، لازمه این خبر داشتن جاسوسی از دشمن و تحرکات نظامی آنهاست، چه این دشمن داخلی باشد و چه دشمن خارجی. اصولاً در فعالیتهای اطلاعاتی این کار نه تنها جایز بلکه در برخی اوقات واجب می باشد مخصوصاً جاسوسی از اسرار دشمن. در این قسمت ادله جواز جاسوسی و تجسس از دشمن داخلی و خارجی را بیان می کنیم.

جاسوسی از دشمن داخلی

قرآن

خدا در قرآن می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثَبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا» (نساء/۷۱). ای مومنان سلاح برگیرید و دسته دسته یا به طور همگانی به سوی جبهه ها بشتابید».

در تفسیر کلمه حذر دو احتمال داده شده است: الف) چیزی است که با آن خطر را دفع می کنند و وسیله تامین امنیت است. مانند سلاح و «حذر» پرهیز نمودن از هر چیز خطرناک است. (راغب اصفهانی، حسین بن محمد (بی تا)، المفردات فی غریب القرآن، تهران: مکتبه المرتضویه

ب) «حذر و حذر» دارای یک معنی هستند. به این معنی است که شخص هوشیار باشد و از خطر بپرهیزد. (زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۷۲)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوال فی وجوه التاویل و هو تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العربیه، ج ۱، ص ۲۷۳).

علامه طباطبایی فرموده اند: «آیه مسلمانان را بر حذر (احتیاط و آمادگی) امر می کند تا فریب تبلیغات منافقین و یهودیان را نخورند و آگاهانه، مبارزه خود را ادامه دهند و در هنگام حمله، باز در حذر باشند و از دشمن، عددشان، نقشه های جنگی و تصمیماتشان، کمینف حيله ها، دسیسه ها و اسلحه و مهماتشان آگاه شوند و از جمله حذرشان یکی هم برداشتن اسلحه است، از دیگر موارد آن تجسس از احوال آنها و آگاهی نسبت به تحرکات آنهاست. پس در حقیقت معنی اول، از مصادیق معنای دوم است و میان دو معنی تنافی نیست». (طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۳ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات، ج ۴، ص ۴۱۵).

حفظ نظام

برای جلوگیری از اختلال در حکومت اسلامی جاسوسی نه تنها جایز است بلکه از واجبات است، زیرا جاسوسی از مقدمات حفظ نظام است و بنا بر اینکه مقدمه واجب، واجب باشد، جاسوسی هم واجب است.

سیره متشرعه

سیره متشرعه بر هوشیاری و جاسوسی از رفتار دشمنان داخلی بوده، چنان چه زمانی که «زید بن ارقم» وقتی شنید عبدالله بن ابی از پیامبر و یارانش تعبیر به (اذل) و از خود و یارانش تعبیر به (اعز) کرده است، او را احضار کرد ولی او منکر شدف تا اینکه ایه نازل شد، «می گویند: اگر به مدینه برگردیم، مسلما آن که عزیزتر است آن را که خوارتر است از مدینه بیرون می کند در حالی که عزت برای خدا و پیامبر او و مومنان است، ولی منافقان معرفت ندارند (منافقون/۸).

پس از نزول این آیه پیامبر (ص)، زید را مدح نمودند و به او فرمودند: «گوش تو درست شنیده است، ای غلام، خداوند تو را تصدیق و منافقین را تکذیب نمود» (ابن اثیر جزری، اسماعیل بن عمر (بی تا)، البدایه و النهایه، بیروت: دار الفکر، ج ۵، ص ۲۱۱).

روایات

زمانی که خریث بن راشد و یارانش از امام (ع) اعراض کردند و در شهرها متفرق شدند، امام به تمام عمال خود نامه نوشت و فرمودند: «از بنده خدا علی (ع) به هر کس از عمال من که این نامه را می خواند، اما گروهی از مردم که با ما بیعت کرده اند، از نزد ما گریخته اند. پندارم که رهسپار بصره شده اند، از اهل بلاد درباره آنها سوال کنید و در هر ناحیه ای از قلمروتان جاسوسان و گزارش گران بگمارید و هر چه شنیدی به من گزارش کنید. (ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد (بی تا)، الفارات؛ ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: سازمان چاپ و نشر وزارت ارشادات، ج ۵، ص ۲۱۱). روایات دیگر هم وجود دارد که به خاطر اختصار نمی آوریم. این روایات نشان دهنده این است که حضرت اهتمام جدی به امور داخلی داشتند و تحرکات دشمنان را زیر نظر داشتند و گذاردن جاسوس برای دشمنان نشان از مشروعیت این عمل است.

جاسوسی از دشمن خارجی

دشمن خارجی همیشه به دنبال ضربه زده به حکومت اسلامی از طرق مختلف است. حاکم باید به هر طریقی جلوی نفوذ دشمن را بگیرد یکی از این روشها گذاردن جاسوس از حریم، اسرار و اطلاعات دشمن است.

در عملیات اطلاعاتی باید جلوی دشمن خارجی گرفته شود. ادله ای که جواز بلکه وجوب این امر را اقتضا می کند مشابه قبل است که به اختصار به آن اشاره می کنیم.

وجوب حفظ نظام

جاسوسی از اطلاعات دشمن به حکم عقل واجب است، زیرا غفلت از این امر باعث زوال دین و نظام جامعه می شود و چون حفظ نظام واجب است مقدمات آن مانند جاسوسی از دشمن واجب است.

سیره پیامبر (ص)

به عنوان مثال طبری نقل می کند که پیامبر (ص)، برخی از اصحاب خود را مانند علی (ع)، زبیر، سعد بن ابی وقاص و... را در جنگ بدر به عنوان جاسوس برای کسب خبر از احوال کفار روانه بدر کردند (طبری، محمد بن جریر (۱۳۴۵ش)، تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ج ۲، ص ۱۴۱).

یا در غزوه احد پیامبر به حباب بن منذر مأموریت داد به عنوان جاسوس به سوی لشکر دشمن برود و به او فرمودند: وقتی برگشتی هرگز در میان مسلمانان گزارش کار خود را برای من تعریف نکن، مگر در صورتی که افراد دشمن را کم ببینی، حباب بن منذر رفت و آنان را زیر نظر گرفت و پس از کسب اطلاع لازم به سوی پیامبر آمد و در خلوت گزارش کار خود را داد. (ابن سعد، محمد بن سعد (۱۳۴۷ق)، الطبقات الکبری (طبقات ابن سعد)، بیروت: دار الصادر، ج ۲، ص ۳۰۲).
روایات دیگری در تایید این سیره وجود دارد.

قرآن

خدا در قرآن می فرماید: «یا ایها الذین آمنوا خذوا حذرکم فانفروا ثباتاً او انفروا جميعاً» (نساء/۷۱). ای مومنان سلاح بگیرید و دسته دسته یا به طور همگانی به سوی جبهه ها بشتابید». همان استدلالی که در سابق ذکر شد در این جا می آید.

قواعد عام جهت شناختن مصادیق جایز

تا به حال بیان شد که اصل اولی در جاسوسی بر حرمت است. ولی در برخی موارد این حرمت کنار گذاشته شده است و به مصادیق آن اشاره شد. حال سوال این است که این موارد استثنا آیا تحت قانون و قاعده ای خاص قرار می گیرند یا خیر؟

الف) حکومت قاعده لا ضرر

قاعده لا ضرر به عنوان قانونی عام، مفسر ادله حرمت تجسس می باشد یعنی ادله ای که جاسوسی را حرام می کند حرمت آن محدود به موارد غیر ضرری می باشد. البته اگر قائل شدیم که لا ضرر جاعل حکم هم می باشد، در برخی مصادیق می توان حکم به وجوب یا جواز کرد.

ب) تقدیم اهم بر مهم

در مورد تزاحم دو حکم، حکم اهم را مقدم می کنیم. در بحث ما اگر جاسوسی، اهم از حفظ حریم افراد باشد، مورد اهم بر ادله ی حرمت نقض حریم افراد مقدم می شود.

ج) ظلم

عقل ظلم را قبیح می شمارد. و انسان ظالم را مذمت کرده و او را مستحق عقاب می داند. این حکم عقل جزء مستقلات عقلیه است و از حکم شرع کمکی نگرفته است.

در فقه امامیه ظلم به عنوان یک مناط باعث فتوا به حکم تکلیفی و وضعی می شود. به عنوان مثال شیخ در مبسوط می فرماید: «المتغلب علی امر المسلمین اذا اخذ من الانسان صدقه ماله لم یجز عنه ذلک، و یجب علیه اعادته لانه ظلم بذلک، و قد روی ان ذلک یجزیه، و الاول احوط» (طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ج

د) حرمت اختلال در نظام

آقای خویی فرموده اند: «اگر احتیاط موجب اختلال در نظام و عسر و حرج نگردد، برخی قائل به تقدم آن بر اجتهاد و تقلید شده اند، زیرا احتیاط امثال قطعی حکم الله است و حال آنکه تقلید امثال ظنی است، بنابراین احتیاط در این صورت مقدم بر تقلید خواهد بود» (خویی، ابوالقاسم ۱۴۱۱ق، فقه الشیعہ- الاجتهاد و التقليد، قم: چاپخانه نوظهور، ص ۲۲).

بنابراین اگر جاسوسی مقدمه ای برای ایجاد نظم در امور افراد و جامعه باشد به عبارت دیگر حرمت جاسوسی مقدمه ای برای ایجاد اختلال در نظام گردد (با توجه به اینکه مقدمه حرام، حرام است)، انجام جاسوسی مشروع خواهد بود.

ه) حفظ نظام

حفظ نظام واجب است، و عقلاً مقدمات آن نیز واجب خواهد بود و بر اساس یک مبنا این لزوم عقلی کاشف از لزوم شرعی نیز می باشد، بنابراین تمام مقدمات این واجب عقلاً حکم ذی المقدمه را خواهد داشت و لذا هر کجا که برای مثال حفظ نظام متوقف بر تجسس از

حریم خصوصی دیگران اعم از مومن یا غیر مومن باشد، عقلاً حکم حرمت از باب این مقدمه به وجوب تبدیل خواهد شد (اکبری بابوکانی، احسان علی (۱۳۹۱ش)، تجسس از حریم خصوصی افراد در فقه امامیه، تهران: دانشگاه امام صادق، ص ۳۵).

و) انگیزه خیر

عرض کردیم در صورتی که جاسوسی به انگیزه خیر باشد، جایز است. حال بحثی مطرح است که این اخراج تخصیص است یا تخصص. شیخ انصاری در بحث غیبت ادله حرمت را ناظر به جایی می داند که به انگیزه ایذاء مومن و هتک حرمت مومن باشد و در جایی که غیبت به انگیزه خیر باشد از ادله حرمت خارج می داند و همین مطلب را در باقی محرمات قائل هستند. ایشان می فرماید: «مستفاد از اخبار متقدمه این است و غیر اخبار این شد، که غیبت حرام در جایی صادق است، که هدف اذیت و هتک عرض مومن همراه با اغراض سوء باشد (یعنی در جایی که این هدف وجود نداشته باشد حکم هم منتفی است). در ادامه به سخن محقق کرکی در جامع المقاصد و شهید در کشف الریبه اشاره می کند» (انصاری، مرتضی (۱۴۱۴ق)، رسائل فقهیه، قم: کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، ج ۱، ص ۳۴۲).

بنابراین شیخ در صورتی که جاسوسی به انگیزه شر باشد تخصصاً از ادله حرمت خارج می داند ولی عرض کردیم مستفاد از ادله حرمت جاسوسی مطلق است. بر این مبنا جاسوسی با انگیزه خیر تخصیص است و نه تخصص.

نتیجه گیری

از این تحقیق نتایج زیر قابل استفاده است:

- (۱) مفهوم جاسوسی در کتب فقهی تحت عناوینی همچون، تجسس، عین و سماع قرار می گیرد. فقها این مساله را به خاطر بدهت یا احاله آن به عرف مطرح نکرده اند.
- (۲) قانونگذار مفهوم جاسوسی را تبیین نکرده است، اگر چه برخی از حقوقدانان جاسوسی را عبارت از گردآوری اطلاعات و اسناد مخفیانه و طبقه بندی شده، راجع به امور نظامی و عملیات آفندی و پدافندی یا کسب اطلاعات از اوضاع و احوال سیاسی یا اقتصادی مملکت به قصد دادن آنها به دولت خارجی در مقابل پول یا هر نوع پاداش و اجرت است.
- (۳) اصل اولی در جاسوسی بر حرمت است به دلیل آیات قرآن، روایات، سیره عقلاء و بنای عقلاء. اما مواردی از این اصل اولی خارج شده است، که جاسوسی از دشمنان داخلی و خارجی، جاسوسی از عمال حکومتی، جاسوسی از اعمال و احوال افراد جامعه اسلامی از این قبیل است.
- (۴) جاسوسی به طور مطلق حرام است چه به انگیزه خیر باشد و چه به انگیزه شر. بنابراین خروج برخی از موارد جاسوسی از حرمت، تخصیص است نه تخصص به خلاف نظر برخی از فقها همچون شیخ انصاری که تجسس را در صورتی که به قصد خیر باشد اصلاً تخصصاً از موضوع جاسوسی و تجسس خارج می داند. ثمره بحث در این جا ظاهر می شود که اگر قائل به تخصیص شدیم باید طبق قواعد باب تراحم عمل کرد.
- (۵) قوانین عامی که برای مشروعیت موارد استثنا وجود دارد عبارت است از حفظ نظام، حرمت اختلال در نظام، حکومت قاعده لاضرر، قاعده تقدیم اهم بر مهم، ظلم.

منابع و مراجع

- [۱] قران کریم
- [۲] ابن اثیر جزری، اسماعیل بن عمر (بی تا)، البدایه و النهایه، بیروت: دار الفکر.
- [۳] ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- [۴] ابن سعد، محمد بن سعد (۱۳۴۷ق)، الطبقات الکبری (طبقات ابن سعد)، بیروت: دار الصادر.
- [۵] ابن فارس، احمد بن ذکریا (۱۴۰۴ق)، معجم مقائیس اللغه، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- [۶] ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دارالفکر.
- [۷] اکبری بابوکانی، احسان علی (۱۳۹۱ش)، تجسس از حریم خصوصی افراد در فقه امامیه، تهران: دانشگاه امام صادق.
- [۸] انصاری، مرتضی (۱۴۱۴ق)، رسائل فقهیه، قم: کنگره بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
- [۹] ثقفی کوفی، ابواسحاق ابراهیم بن محمد (بی تا)، الغارات؛ ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران: سازمان چاپ و نشر وزارت ارشادات.
- [۱۰] خویی، ابوالقاسم ۱۴۱۱ق، فقه الشیعہ- الاجتهاد و التقليد، قم: چاپخانه نوظهور.
- [۱۱] زمخشری، محمود بن عمر (۱۳۷۲)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقاویل فی وجوه التاویل و هو تفسیر القرآن الکریم، بیروت: دار الکتب العربیه.
- [۱۲] سیوطی، جلال الدین (۱۴۲۴ق)، ادر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت: دار المعرفه.
- [۱۳] شریف الرضی، محمد بن حسین (۱۴۱۴ق)، فیض الاسلام، قم: هجرت، چاپ اول.
- [۱۴] صاحب الجواهر، محمد بن حسن (۱۴۰۴ق)، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- [۱۵] طباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۳ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات.
- [۱۶] طبری، محمد بن جریر (۱۳۴۵ش)، تاریخ الرسل و الملوک (تاریخ طبری)، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- [۱۷] طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الامامیه، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار الجعفریه.
- [۱۸] عسقلانی، ابوالفضل شهاب الدین احمد (بی تا)، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- [۱۹] قریب، محمد (۱۳۶۶)، تبیین الغات لتبیین الآیات یا فرهنگ لغت قرآن، تهران: انتشارات بنیاد.
- [۲۰] کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- [۲۱] مجلسی، محمد باقر (بی تا)، بحار الانوار، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- [۲۲] محدث نوری، میرزا حسین (۱۴۰۸ق)، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت: موسسه آل البيت علیهم السلام.
- [۲۳] مشکینی، میرزا علی اکبر (۱۳۸۶)، مصطلحات الفقه، قم: الهادی.
- [۲۴] منتظری نجف آبادی، حسینعلی، (۱۴۰۹ق)، دراسات فی ولایه الفقیه و فقه الدوله الاسلامیه.
- [۲۵] ولیدی، محمد صالح (۱۳۵۷)، حقوق جزای اختصاصی، تهران: انتشارات امیر کبیر.